دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات فقه تربیتی
سال دوازدهم / شماره ۲۳/ بهار و تابستان ۱٤۰٤

Bi-Quarterly Research Scientific Journal in Educational Jurisprudence studies
Year 12 No.23, Autumn & Winter - ۲۰۲۵

تحلیل نقش تفاوت‌های جنسیتی در ساحت‌های تربیت*

مهدی فتحی**
محمد شریفی نیا ***
مجید طرقی اردکانی ****

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مبانی تربیت مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی از دیدگاه علمی و دینی انجام شده است. با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع معتبر، یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های زیستی، روانی، عاطفی و اجتماعی بین زن و مرد، واقعیتی مسلم و برخاسته از حکمت الهی است. از نظر علمی، تفاوت در ساختار مغز، هورمون‌ها و توانایی‌های شناختی، و از منظر دینی، تمایز در نقش‌ها و مسئولیت‌ها، این امر را تایید می‌کند.

توجه به‌این تفاوت‌ها نه‌تنها یک ضرورت تربیتی، بلکه تکلیفی الهی است. نادیده گرفتن آن‌ها منجر به‌بحران هویت جنسی و ناکارآمدی نظام تربیتی می‌شود. بنابراین، برنامه‌ریزی تربیتی باید متناسب با ویژگی‌های ذاتی هر جنس طراحی شود تا زمینه پرورش انسان متعادل فراهم شود.

---

* تاریخ وصول: ۱٤۰٤/۳/٤؛ تاریخ تصویب: ۱٤۰٤/٤/۱۷. این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نویسنده مسئول با عنوان « الگوی تربیت مبتنی بر تفاوت‌های جنسیّتی از دیدگاه اسلام» است که در جامعة المصطفی| العالمیة دفاع شده است.

** دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، جامعة المصطفی| العالمیة، مؤسسه عالی علوم انسانی اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) Mahdifathi53@gmail.com

*** گروه علوم تربیتی، مجتمع عالی علوم انسانی اسلامی، جامعة المصطفی| العالمیة، قم،ایران.
majidtoroghi40@gmail.com

**** گروه فقه تربیتی، مجتمع فقه، جامعة المصطفی| العالمیة، قم،ایران.
mohammadsharifinia1963@gmail.com

این پژوهش، با ترکیب یافته‌های علمی و آموزه‌های دینی، چارچوبی منسجم برای تربیت جنسیتی ارائه می‌دهد که از بحران‌هایی مانند فقدان هویت جنسیتی پیشگیری می‌کند. هم‌چنین، با پرکردن خلأ موجود در ادبیات موضوع- که پیش از این مبانی علمی و دینی را جداگانه بررسی می‌کرد- درک عمیق‌تری از موضوع ارائه می‌دهد. تأکید بر تلفیق این مبانی، راهکارهای کاربردی برای نظام‌های تربیتی پیشنهاد می‌کند که توجه هم‌زمان به‌اشتراکات و تفاوت‌های زن و مرد را به‌عنوان اصل اساسی تربیت قرار می‌دهد و مبنایی برای طراحی برنامه‌های تربیتی متناسب با هر جنس ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: مبانی علمی، مبانی دینی، تربیت، تربیت جنسیتی، تفاوت‌های جنسیتی.

مقدمه

از آن‌جا که هدف تربیت، پرورش و تعالی «انسان» است، یکی از ارکان اساسی در فرآیند تربیت، توجه به‌این حقیقت است که خالق حکیم و علیم، انسان‌ها را در دو جنس مذکّر و مونث آفریده و در کنار اشتراکات ماهوی، تفاوت‌هایی ظریف و بنیادین نیز در سرشت آنان نهاده است. شناخت دقیق ویژگی‌ها، جایگاه و نقش هر یک از این دو جنس در نظام آفرینش، و توجه به‌نیازهای خاصّ آنان متناسب با این تفاوت‌ها، از اهمّیتی بسزایی برخوردار است. بر این اساس، در پاسخ به‌پرسش بنیادین چیستی مبانی تربیت مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی از منظر علمی و دینی، گزینش اهداف تربیتی انسان باید با دقّت و ظرافت تمام صورت پذیرد.

اهمیت این موضوع آن‌جا آشکار می‌شود که اگر در فرآیند تربیت، به‌تفاوت‌های فردی و جنسیتی توجه و عنایت ویژه نگردد، زمینه‌ساز بروز بحران‌هایی عمیق همچون فقدان هویت جنسی خواهد شد. در چنین شرایطی، هدایت منظم و مستمر و کنش صحیح از سوی مربی و متربی در راستای شکوفایی استعدادهای ذاتی و جنبه‌های جسمی، ذهنی، شناختی، روانی، عاطفی و اجتماعی تحقّق نیافته و دست‌یابی به‌هدف مطلوب تربیت، که همانا پرورش انسان کامل و متعادل است، به‌سرمنزل مقصود نخواهد رسید. بنابراین، توجه به‌این تفاوت‌ها نه‌تنها یک ضرورت تربیتی، بلکه یک تکلیف الهی و علمی است که غفلت از آن، پیامدهای ناگوار فردی و اجتماعی را به‌دنبال خواهد داشت.

پیشینهٔ پژوهش

با عنایت به‌بررسی و کاوش ژرف در گسترهٔ پژوهش‌های پیشین، به‌منظور دست‌یابی به‌اثری جامع و بدیع که دربردارندهٔ مبانی علمی و دینی تربیت مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی باشد، اگرچه آثاری با مضامینی نزدیک به‌این موضوع به‌رشتهٔ تحریر درآمده‌اند، مع‌الاسف تا کنون هیچ‌گونه تألیفی که واجد این ویژگی ممتاز باشد، به‌طبع نرسیده است. در این میان، چندین پژوهش که بیش‌ترین هم‌خوانی و قرابت را با این موضوع دارا هستند، عبارت‌اند از:

۱. بررسی مبانی علمی و فلسفی تربیت از دیدگاه قرآن (مرضیه کهنوجی، ۱۳۹۲)؛ در این پژوهش، کوشش شده است تا تاملی بر بنیان‌های علمی و فلسفی افکنده شود، حال آن‌که به‌مبانی قرآنی و به‌طور کلی آموزه‌های دینی و روایی پرداخته نشده است.

۲. تربیت دینی، مبانی و روش‌ها (تولیت، ۱۳۸٤)؛ با وجود اشاره به‌مبانی تربیت دینی در عنوان این پژوهش، متن تحقیق بیشتر بر روش‌های تربیتی با روی‌کرد دینی متمرکز شده و به‌مبانی این حوزه به‌طور جامع و مستقل پرداخته نشده است. تنها بخشی مختصر به‌تبیین این مبانی اختصاص یافته که تلاشی ناکافی به‌نظر می‌رسد. افزون بر این، پژوهش حاضر، تنها از منظر دینی به‌موضوع نگریسته و از ابعاد فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی که می‌تواند به‌غنای بحث بیفزاید، فاصله گرفته است.

۳. مبانی تعلیم و تربیت در متون دینی (مرویان حسینی، ۱۳۷۵)؛ در این پژوهش، هرچند دسته‌بندی شایسته‌ای عرضه گردیده است، مع‌الوصف این تحقیق نیز، تنها به‌مثابه پژوهشی با روی‌کردی دینی قلمداد می‌شود.

٤. واکاوی مبانی فیزیولوژی، زیست شناختی و جامعه شناختی تفکیک جنسیتی در آموزش (یوسف‌زاده و میرزایی‌فر، ۱۳۹۸)؛ آنچه در این پژوهش به‌چشم می‌آید، این است که مبانی علمی مطرح‌شده، از جامعیت کلی برخوردار نبوده و تنها به‌اصول زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی محدود گردیده است. هم‌چنین، روی‌کرد غالب در این تحقیق، بیشتر معطوف به‌جنبه‌های آموزشی (و نه تربیتی) موضوع تعلیم و تربیت بوده و به‌طور ویژه بر مساله تفاوت میان نظام‌های آموزشی تک‌جنسیتی و مختلط تأکید شده است.

روش پژوهش

با عنایت به‌کثرت و پراکندگی پژوهش‌های انجام شده و به‌منظور واکاوی علل و ریشه‌های تفاوت‌های موجود در شیوه‌های تربیتی میان زن و مرد، و در جهت دست‌یابی به‌مقصود نهایی این تحقیق، این پژوهش با اتخاذ روش گردآوری اطلاعات به‌صورت اسنادی و با روی‌کردی توصیفی- تحلیلی و استنتاجی به‌سرانجام رسیده است. در این راستا، با مراجعه به‌منابع معتبر علمی، ادبیات پژوهشی و متون دینی، داده‌ها مورد مطالعه، تحلیل و استخراج قرار گرفته‌اند تا بتوان به‌نتایجی مستدل و مستند دست یافت.

مفهوم‌شناسی

تربیت

لغوی: صاحب کتاب معجم مقاییس اللغه، تربیت را از ریشهٔ (رب‌ی) و معنای زیاده، نما و علو را از آن به‌دست می‌آورد. به‌همین دلیل، او قایل است، عرب‌زبانان، به‌مکان مرتفع «ربوه» می‌گویند (ابن‌فارس، ۱۳۹۹ق). در آیه ۵۰ سوره مؤمنون: «**وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً وَ آوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ**؛ و ما پسر مریم و مادرش را آیت و معجزه بزرگ گردانیدیم و هر دو را به‌سرزمین بلندی که آن‌جا مکانی هموار و چشمه‌سار بود، منزل دادیم»، نیز همین معنا از آن برداشت می‌شود.

اصطلاحی: تربیت از نظر علی‌اکبر سیف (۱۳۸٦: ۲۸)، به«جریان یا فرایندی منظم و مستمر، گفته می‌شود که هدف آن، هدایت رشد همه جانبه پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به‌شکوفا شدن استعدادهای آنان است».

در تعریف تربیت می‌توان گفت: تربیت، کشف و هدایتِ استعدادهای خدادادی ذاتیِ جسمی، ذهنی و شناختی، روانی و عاطفی و اجتماعی فرد و شکوفاسازی و به‌فعلیت درآوردن آن‌ها در مسیر وصول به‌کمال دنیوی و اخروی است.

جنسیت

به اعتقاد اونگر، واژهٔ «جنس» باید به‌ابعاد زیستی مردانگی و زنانگی فرد محدود شود و

«جنسیت» به‌صفات و ویژگی‌های اجتماعی دو جنس اطلاق گردد (هاجری، ۱۳۸۲). در واقع جنسیت به‌نقش‌ها، انتظارات، رفتارها، فعالیت‌ها و صفاتی که فرهنگ و جامعه‌ای خاص، آن‌ها را برای زنان و مردان، مناسب می‌داند، اشاره دارد.

روی‌کرد علمی به‌انواع تفاوت‌ها

اقسام مبانی نظری

خداوند متعال در خصوص خلقت انسان، در آیهٔ ١٤ سوره مومنون می‌فرماید: «**ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ**». این آیه، گواه بر آن است که انسان، پدیده‌ای هم‌سان سایر پدیده‌ها نبوده و شناخت این موجود، از بنیادی‌ترین مباحث در حوزهٔ تعلیم و تربیت است.

طبق نظر شکوهی (۱۳۷۲: ٦٠-٦٣)، مبانی در تعلیم و تربیت، به‌دو دسته «علمی» و «فلسفی» تقسیم می‌شود. مبانی علمی، همچون مبانی زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، فهرست اقدامات تربیتی را فراهم کرده و مبانی فلسفی، روابط این مبانی را کشف و به‌آن‌ها معنا می‌بخشد.

اعرافی و هم‌کارانش (۱۳۹۵: ۱۰)، مبانی تعلیم و تربیتی را سه قسم دانسته و بیان داشته: «از آن‌جا که انسان، موضوع تربیت است، توجه به‌نیازهای او هم‌واره منبعی مهم ـ یا تنها منبع ـ برای انتخاب اهداف تربیتی است؛ منابعی که در شناخت این نیازها موثرند، سه دسته هستند: علم، فلسفه و دین. هر یک از این سه منبع، مبنایی برای گزینش اهداف تربیتی انسان، می‌تواند باشد». لکن با توجه به‌کلی بودن مبانی فلسفی که در پژوهش‌های بسیاری بدان‌ها پرداخته شده است، در این پژوهش که مقایسه‌ای بین مبانی علمی و دینی است، به‌مبانی فلسفی پرداخته نشده است.

مبانی علمی

الف) تفاوت‌های فردی

منظور از تفاوت‌های فردی، این است که هر فرد، موجودی منحصر به‌فرد، استثنایی و یگانه برای خود است.

هیچ دو فردی وجود ندارند که ژنوم کاملاً مشابهی داشته باشند؛ حتا دوقلوهای هم‌سان، کاملاً هم‌سان نیستند (کوشی، ۲۰۱۷: ج۳).

بروس آلبرتس (۱٤۰۰: ۳۱۳). در مورد وجود تفاوت‌های فردی می‌گوید: «اگر دو ناحیه یک‌سان از ژنوم دو فرد مختلف با هم مقایسه شوند، مشاهده می‌شود که به‌طور متوسّط، اختلافی در حدود یک‌دهم درصد، میان دو توالی وجود دارد که به‌نظر ناچیز می‌آید، ولی با در نظر گرفتن اندازه ژنوم، این میزان در حدود ۳ میلیون تفاوت ژنتیکی را در مجموعه کروموزوم‌های مادری و پدری یک فرد، در مقایسه با فرد دیگر ایجاد می‌کند». جالب آن‌که تفاوت‌ها آنقدر گسترده است که خداوند متعال آنرا در سرانگشتان نیز در نظر گرفته است. «سرانگشتان دارای خطوط برجسته‌ای هستند که الگوهای این خطوط از زمان تولد تا زمان فوت، ثابت و پابرجا هستند. احتمال یافتن دو فرد با اثر انگشتان یک‌سان، حدود یک در ٦٤ میلیارد برآورد می‌شود» (گوهری و هم‌کاران، ۱۳۹۵ به‌نقل از علی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۸).

ب) تفاوت‌های جنسیتی

خالق هستی در کنار تفاوت‌های فردی، تفاوت‌های متعدّدی نیز بین جنس زن و مرد قرار داده است که این تفاوت‌ها از هنگام تولد، آشکار بوده و پا به‌پای رشد کودک، بیشتر عیان شده و در آستانهٔ بلوغ، به‌اوج خود می‌رسد.

افلاطون در کتاب «جمهوریت»، بیان می‌دارد که زنان و مردان، دارای استعدادهای مشابهی هستند، اما «زنان از مردان، چه در نیروهای روحی و دماغی، چه در نیروهای جسمی، ناتوان‌ترند؛ یعنی تفاوت زن و مرد را از نظر کمّی می‌پذیرد، هرچند مخالف تفاوت کیفی آن‌ها از لحاظ استعدادهاست». وی معتقد است: «استعدادهایی که در مردان و زنان وجود دارند مثل یک‌دیگرند، منتها، زنان در هر رشته‌ای از رشته‌ها، از مردان ناتوان‌ترند (احمدی، ۱۳۸٤).

غالب بررسی‌های علمی قرن نوزدهم و نیمهٔ اول قرن بیستم، در راستای تایید وجود تفاوت‌ها بوده است، لکن، تفکّرات فمنیستی، سعی بر آن داشت تا خاستگاه تفاوت‌های روانی را در محیط و اجتماع جست‌وجو کند: «پس از طرح نظریه داروین، پژوهش‌های بیشتری در اثبات تفاوت‌های تکوینی، انجام شد که هم‌زمان با پیشرفت علم و رواج تکنولوژی‌های دقیق در عکس‌برداری از

مغز، شتاب بیشتری گرفت و یافته‌های جدید، بطلان نظر کسانی که قایل بودند این تفاوت‌ها، خاستگاهی غیر طبیعی دارد، بیش از پیش روشن نمود» (هام و گمبل، ۱۳۸۲: ۳۱۴).

انواع تفاوت‌های جنسیتی

از منظر علوم تجربی، اصول حاکم بر تفاوت‌های جنسیتی را می‌توان به‌سه دسته تقسیم کرد:

۱. اجتماعی، فرهنگی

پژوهش‌های «اندرسون »، و «بلنچارد » (۱۹۸۲) نشان می‌دهند که زنان، اجتماعی‌تر از مردان هستند و در برابر، مردان از مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردارند (خدا رحیمی و هم‌کاران، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

روان‌شناسان اجتماعی از بالاتر بودن ادراک اجتماعی در زنان صحبت می‌کنند (لمبروزو، ۱۳٦۹: ۱۱۹). جانت هاید، بیان می‌دارد که «دختران بیش از پسران، گروه‌گرا و مشتاق کارهای جمعی هستند» (هاید، ۱۳۷۷: ۱۳۴). دختران برای ایجاد روابط اجتماعی بهتر حرف می‌زنند، از هم‌صحبتی با یک‌دیگر لذت می‌برند (زندن و ویلفرد، ۱۳۷۶: ۱۹۷). دیگر دوستی، صمیمی بودن و داشتن ارتباطات حمایتی و مورد پشتیبانی قرار گرفتن از ویژگی‌هایی هستند که در زنان از مردان بیشتر است. زنان از هم‌جوار بودن و داشتن هم صحبت بیشتر از مردها لذت می‌برند (فقیهی، ۱۳۸۷: ۱۸). هرچند به‌اعتقاد استفانی گرت، تفاوت‌های اجتماعی مبتنی بر جنسیت، کاملاً ساختهٔ ذهن انسان است (گرت، استفانی، ۱۳۸۲).

۲. جسمی

زیست‌شناسان بر این عقیده‌اند که زن و مرد تفاوت‌های بنیادی داشته و این تفاوت‌ها در درجه اول، ارثی هستند. آن‌ها معتقدند: هر سلول بدن زن با هر سلول بدن مرد تفاوت دارد (خدا رحیمی و هم‌کاران، ۱۳۷۷: ٤). در هفته‌های نخستین رشد، جنین دختر و پسر، از نظر اندام‌ها به‌هم شبیه‌اند و از دو ماهگی به‌بعد، هورمون نر ترشح کرده و تفاوت‌ها آغاز می‌شود. رشد جنس مرد، آهسته‌تر از زن است، دختر زودتر از پسر می‌نشیند، می‌خزد، به‌راه می‌افتد و به

سخن می‌آید. پیش از پسران در پوشیدن لباس و دیگر کارها مهارت می‌یابد (هاید، ۱۳۷۷: ۱۳۲). در پژوهشی مشخص گردید که دختران در برابر بیماری‌ها مقاوم‌ترند و کم‌تر از پسران، آسیب می‌بینند و در نقطه مقابل، پسران در فعالیت‌هایی که نیاز به‌مهارت‌های حرکتی دارد، برتر از دختران هستند (کان. جی و هم‌کاران، ۱۳۸۹: ۳۴۰). در زمینهٔ بینایی، چشمان مردان بزرگ‌تر از زنان است و برای دیدی تونل مانند و دور، طراحی شده است، اما دایرهٔ دید زنان، وسیع‌تر از مردان بوده و در یک لحظه می‌توانند چیزهای بیشتری را در میدان دید قرار دهند (پیز و پیز، ۱۳۹٤: ۴۲). و در خصوص حس شنوایی، زنان قوی‌تر هستند (محمّدی، ۱۳۹۲ به‌نقل از گنجی، ۱٤۰۱: ۲۰۳). در زمینهٔ قدرت گویایی در مرحله کودکی، دختران از پسران نسبت به‌تعداد یادگیری نخستین کلمات و ساختن جمله‌ها و ادای رسا و روشن آن‌ها، میزان استفاده از کلمات، حفظ خزانهٔ لغات، خواندن و خلاقیت کلامی، نوشتن و هجّی کردن و نکات گرامری برتر به‌نظر می‌رسند (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۳۰). از نظر ساختاری مغز، مردان بالغ، به‌طور متوسط ۱۱ تا ۱۲ درصد سنگین‌تر و ۱۰ درصد بزرگ‌تر از مغز زنان است (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۱۷). در مورد اسکلت‌بندی و ماهیچه‌ها «تولید پروتئین در اثر ترشح تستوسترون، موجب ایجاد ماهیچه‌ها و عضلات قوی‌تر و استحکام استخوان در مردان است. تودهٔ عضلانی بدن مرد، به‌گونهٔ متوسط، ۵۰ درصد بیشتر از زن است. هم‌چنین استخوان جمجمهٔ مرد، بزرگ‌تر و ضخیم‌تر از جمجمهٔ زن است» (لطف‌آبادی، ۱۳۷۸: ۶۸). هورمون پروژسترون عامل کوتاهی قد و انعطاف و نرمی مفاصل زنان نسبت به‌مردان است (حسینی و هم‌کاران، ۱۳۸۸: ۹۶). «استخوان‌های جمجمه و لگن از نظر جنسیت، بیشترین تفاوت‌ها را دارند، به‌گونه‌ای که از ۹۰ درصد افراد، تنها با بررسی جمجمه و لگن، می‌توان جنسیت آن‌ها را مشخص کرد» (گان، ۱۳۷۵: ٤). با استفاده از همین تفاوت زیاد زن و مرد از نظر استخوان‌بندی است که در پزشکی قانونی، برای شناسایی جنسیت افراد، به‌خصوص اسکلت‌های باستانی بهره می‌برند.در زمینه تولید مثل نیز باید بیان داشت که بارزترین تفاوت بین نر و مادّه، شامل تمام ویژگی‌های مربوط به‌نقش‌های تولید مثلی، به‌ویژه دستگاه‌های غدد درون‌ریز (هورمونی) و اثرات فیزیولوژیکی و رفتاری آن‌ها، از جمله تمایز و تفاوت در اندام‌های تولید مثلی اصلی، داخلی و خارجی است (ساویک، ایوانکا، ۲۰۱۰).

۳. روحی، روانی

«بر خلاف استروژن که آرامش‌بخش است، افزایش تستوسترون، حالات تهاجمی و پرخاش‌گری را برمی‌انگیزاند» (گایتون و هال، ۱۳۶۸: ۱۵۷۸). از نظر فارابی، زن در به‌کارگیری نیروی خشم از مرد ناتوان‌تر است و در نیروی مهر از وی تواناتر است (فارابی، ۱۹۹۶، ص۹۵). فلذا می‌بینیم که مردان بسیار زودتر از جنس زن، خشم خود را در رفتار بروز داده و در مهار خشم ضعیف‌تر هستند. یکی دیگر از اثرات تستوسترون آن است که «پس از بلوغ، نیاز به‌نوازش و در آغوش کشیده شدن در پسران، کم شده، در حالی که این نیاز در زنان، از کودکی تا پایان عمر، همچنان فعّال و شدید است (حسینی و هم‌کاران، ۱۳۸۸: ۸۳).

مبانی دینی

الف) تفاوت‌های فردی

در قرآن کریم، یکی از آیاتی که به‌موضوع تفاوت‌های فردی اشاره دارد، آیهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات است. خداوند متعال می‌فرماید: «**یا أَیهَا النّاسُ إِنّا خَلَقْنَاکمْ مِنْ ذَکرٍ وَأُنْثَی وَجَعَلْنَاکمْ شُعُوبًا وَقَبَایل لِتَعَارَفُوا**». این کریمه، با به‌کارگیری عبارت «شُعُوبًا وَ قَبَایل»، به‌وضوح ما را متوجه وجود تفاوت‌های بسیار فردی کرده و هدف از وجود این تفاوت‌ها را نیز، با عبارت «لِتَعَارَفُوا» تبیین می‌فرماید. و بر همین اساس است که امام صادق (ع) نیز در تایید وجود تفاوت‌ها و دلایل آن که مطابق با این آیه است، به‌مفضّل فرموده‌اند: «نیک بنگر و درس عبرت بگیر که چرا مردم شبیه یک‌دیگر نیستند، ولی حیوانات و پرندگان و دیگر جان‌داران همچون یک‌دیگرند. اگر به‌یک گله آهوان بنگری چنان با یک‌دیگر همانندند که نمی‌توان یکی را از دیگری باز شناخت. اما مردم را متفاوت می‌بینی. چنان که به‌سختی می‌توان دو شخص را که در یک ویژگی همانند باشند، یافت. این بدان جهت است که مردم به‌دلیل معاملاتی که در میانشان جریان دارد باید یک‌دیگر را با ویژگی‌هایی بشناسند. ولی حیوانات در میانشان چنین معاملاتی وجود ندارد تا نیاز به‌این گونه شناختنی باشد» (مفضّل، ۱۳۹۶: ۸۷).

در قرآن کریم، آیاتی را می‌توان یافت که تفاوت‌ها و برتری بین افراد را برای ما تشریح می‌کند.

علامه طباطبایی ذیل آیهٔ ۲۱ سوره حجر «**وَإِنْ مِنْ شَیءٍ إِلا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ**»، می‌فرماید: «این آیه در مورد انسان، هم به‌تفاوت‌های نوعی و هم به‌تفاوت‌های فردی اشاره دارد، یعنی هم به‌آنچه که افراد بشری را از افراد سایر انواع (چون انواع حیوانات و گیاهان) ممتاز می‌کند و هم به‌آنچه که خود افراد بشری را از هم متمایز می‌سازد، تمایزها و تفاوت‌های میان آدمیان، ناظر به‌وسع‌های مختلف (طاقت فهم و طاقت عمل) آنان است» (معجز و هم‌کاران، ۱۳۹٦). مفسّران، ذیل فراز «**وَقَدْ خَلَقَكمْ أَطْوَارًا**» آیهٔ ۱٤ سورهٔ نوح، بیان داشته‌اند که خِلقتِ مرحله به‌مرحله، هم شامل تطوّرهای نطفه در رحم و هم تطوّرات فرد پس از زاده شدن است. علامه طباطبایی در خصوص این آیه، بیان می‌دارد که «خداوند، انسان را به‌اطوار و احوال گوناگون خلق کرد. ابتدا نطفه و سپس علقه و پس از آن، تبدیل به‌مضغه شده و بعد، مرحلهٔ جنینی، طفولیت تا کهن‌سالی آفریده شد و این راجع به‌فرد فرد انسان‌هاست. جمیع افراد را هم از نظر نر و مادگی، رنگ، قیافه وغیر ه، گوناگون خلق نمود» (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج۲۰: ۳۲). سید محمدحسین فضل‌الله نیز ضمن اشاره به‌مراحل خلقت انسان، اشاره دارد که «چه‌بسا مراد از تعدّد اطوار، تعدّد اشخاص به‌لحاظ اختلاف در رنگ‌ها، زبان‌ها و تنوّع جسمی باشد» (فضل‌الله، ۱٤۳۹، ج۲۳: ۱۲۸).

در ذیل آیه ۲۷ و ۲۸ فاطر نیز که خداوند متعال می‌فرماید: «**أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ ثَمَراتٍ مُخْتَلِفاً أَلْوانُها وَ مِنَ الْجِبالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُها وَ غَرابِيبُ سُودٌ؛ وَ مِنَ النّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ**»، حضرت آیت‌الله مکارم‌شیرازی بیان می‌دارد که: «انسان‌ها با این‌که همه از یک پدر و مادر هستند، نژادها و رنگ‌های متفاوتی دارند، حتا در یک نژاد نیز، تفاوت در رنگ‌ها بسیار است. گذشته از چهره ظاهری، رنگ‌های باطنی و خُلق و خُوی آن‌ها و صفات و ویژگی‌های آنان و استعداد و ذوق‌هایشان کاملاً متنوّع و مختلف است، تا مجموعاً یک واحد منسجم با تمام نیازمندی‌ها به‌وجود آید (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱۸: ۲٤٦). در موضوع تفاوت بین مردم، در آیه ۲۲ سوره روم نیز خداوند متعال می‌فرماید: «**وَ مِنْ آياتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوانِكُمْ إِنَّ فی ذلِکَ لآياتٍ لِلْعالِمينَ**»، که در این خصوص، علامه طباطبایی می‌فرماید: «ظاهراً مراد از اختلاف لسان‌ها، اختلاف

واژه‌هاست که یکی عربی، یکی فارسی و یکی چیز دیگر است و مراد از اختلاف الوان، اختلاف نژادها به‌لحاظ رنگ است که یکی سفیدپوست، دیگری سیاه، یکی زردپوست و دیگری سرخ‌پوست است. البته شاید اختلاف لسان، شامل اختلاف در لهجه و اختلاف آهنگ صداها نیز بشود (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج۱٦: ۱٦۷). صاحب تفسیر اطیب البیان نیز پس از بیان همین مطلب، می‌گوید: «افزون بر آن، دو نفر که از همه جهات شبیه یک‌دیگر باشند، وجود ندارد، ولو این‌که دو برادر یا پدر و پسر، مادر و دختر یا دو خواهر باشند» (طیب، ۱۳۷۸، ج۱۰: ۳۷۷).

قبل از کشف عدم احتمال یافتن دو فرد با اثر انگشتان یک‌سان، این موضوع، با ظرافت، در آیه ٤ سوره قیامه، با لفظ «بنان» مورد اشاره قرار گرفته است، آن‌جا که خداوند متعال می‌فرماید: «**بَلی قادِرینَ عَلی أَنْ نُسَوِّیَ بَنانَهُ**».

در حدیث شریفی از رسول اکرم (ص)وسلم نقل گردیده است که فرمود: «ما گروه انبیا، امر شده‌ایم که با مردم به‌اندازه عقل‌هایشان سخن بگوییم (ابن‌شعبه، ج۱: ۳۷). این فرموده رسول گرامی (ص)، گویای آن است که مردم در مقدار عقل با هم تفاوت دارند و یک مربّی شایسته در جهت وصول به‌تربیت صحیح، به‌پیروی از رسول خدا (ص) باید به‌اصل «تفاوت‌های فردی» توجه کرده و به‌اندازه توانایی و توانمندی از متربّی توقّع داشته باشد. حضرت در پاسخ به‌این پرسش که حضرت آدم (ع) از همه گِل‌های زمین خلق شده است، یا یک گِل واحد، فرمودند: از انواع گِل‌ها و اگر از یک گِل واحد آفریده شده بود، مردم یک‌دیگر را نمی‌شناختند و بر یک صورت بودند (ابن‌بابویه، ۱٤۱۳، ج۲: ٤۷۱). هنگامی که در حضور امیرالمومنین علی (ع) سخن از تفاوت میان آدمیان به‌میان آمد، فرمود: مبدأ طینت مردم، میان آنان تفاوت ایجاد کرده است؛ به‌این معنا که آن‌ها از تکه یا قطعه‌ای بودند که از زمین شور و شیرین و خاک درشت و نرم ترکیب شده است؛ بنابراین، آدمیان بر حسب نزدیک بودنِ خاکشان به‌یک‌دیگر، با هم نزدیکند و به‌اندازه جدایی خاکشان از یک‌دیگر، متفاوتند. بنابراین، بسا نیکو چهره‌ای ببینی کم‌خرد، و بلند قامتی کوتاه همّت، و نیکوکاری زشت‌رو، و خُردجثه‌ای ژرف‌اندیش، و نیک‌سیرتی با ظاهری کریه و سرگشته دلی پراکنده‌هوش و گشاده‌زبانی آگاه و بینا

(سید رضی، ۱۳۷۹، ص٤٧١). حضرت در جای دیگر می‌فرمایند: «هر علمی چنان نیست که دارنده‌اش بتواند آن را برای تمام مردم تبیین کند؛ زیرا برخی از مردم [در فهم آن] قوی و برخی ضعیف‌اند (ابن‌بابویه، ۱۳۷۹، ج۲، ص۲٦۸). و این بیان ایشان نیز گویای تصریح به‌تفاوت‌ها است که فرمودند: «تا مردم با هم متفاوتند در خیر و رفاه‌اند، ولی هنگامی که یک‌سان شوند هلاک می‌شوند» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۹، ج۲: ٤٤٦).

مصباح‌یزدی با در نظر گرفتن آیه ۳۲ سوره زخرف: «**وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيا**»، نگاه اسلام را به‌تفاوت‌ها توجیه‌پذیر و ضروری دانسته و بیان می‌دارد که «از دیدگاه اسلام، نه تفاوت‌های طبیعی انکار می‌شود و نه تفاوت‌های اجتماعی ناشی از تفاوت‌های طبیعی، بلکه وجود این دو نوع تفاوت هم پذیرفتنی و هم توجیه‌پذیر است؛ این تفاوت‌ها تقسیم کار را ممکن می‌کنند و اگر وجود نداشتند، افراد نمی‌توانستند یک‌دیگر را استخدام کنند و متعاقب آن، چرخ نظام اجتماعی نمی‌چرخید (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۲٦۲). شهید مطهّری نیز می‌گوید: «موجودات در نظام هستی از نظر قابلیت‌ها و امکان فیض‌گیری از مبدأ هستی با یک‌دیگر متفاوتند، هر موجودی در هر مرتبه‌ای هست، از نظر قابلیت استفاضه، استحقاقی خاصّ به‌خود دارد» (مطهّری، ۱۳۷۲: ٥٧).

این فرموده رسول خدا (ص) است که: «مردم چون معادل طلا و نقره‌اند» (مجلسی، ۱٤۰٤، ج٥۸: ٦٥) نیز یکی از احادیث معروف گویای تفاوت فردی در افراد بشر است.

ب) تفاوت‌های جنسیتی

صاحب المیزان در تحلیل جایگاه «جنسیت» در نظام تکوین می‌فرماید: «مشاهده و تجربه، گواه هستند که مرد و زن، دو فرد از یک نوع با جوهری واحد هستند که همان انسان باشد، چون جمع آثاری که در صنف مردان دیده می‌شود، در صنف زنان نیز بدون تفاوت دیده می‌شود و ظهور آثار نوعی، دلیل بر تحقّق موضوع در هر دو است. البته اختلاف به‌ضعف و شدّت در بعضی آثار مشترک دیده می‌شود، لکن چنین اختلافی، وحدت نوعی را بهم نمی‌زند» (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج٤: ۸۹). در کنار این اشتراک جوهری، تصریح قرآن بر وجود تفاوت‌های

جنسیتی را در آیه ۳۶ سوره آل‌عمران می‌توان مشاهده نمود که خداوند متعال می‌فرماید: «**فَلَمّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّی وَضَعْتُهَا أُنْثَی وَاللهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَیسَ الذّکرُ کالْأُنْثَی**»، در این آیهٔ شریفه، خداوند متعال با عبارت «**لَیسَ الذّکرُ کالْأُنْثَی**»، عدم شباهت در خلقت دختر و پسر را مورد اشاره قرار داده است.

حسینی شاه عبدالعظیمی در تفسیر اثنی عشری (۱۳۹۳، ج۲: ۸۰) از فخر رازی نقل می‌کند که: «در این آیه دو قول است:

قول اول: مراد تفضیل پسر باشد بر دختر به‌جهاتی چند: ۱- آن‌که در شریعت ایشان جایز بود تحریر پسر، نه دختر. ۲- استمرار خدمت پسر در محل عبادت، و صحیح نباشد در دختر به‌سبب عوارضات زنان. ۳- پسر صلاحیت دارد خدمت را به‌جهت قوّت و شدّت او، به‌خلاف دختر که ضعف و عجز پیدا کند. ٤- پسر را عیبی طاری نگردد در خدمت و اختلاط با مردم، و لکن دختر را چنین نیست. ٥- پسر را در اختلاط، تهمتی ملحق نشود، به‌خلاف دختر. پس این وجوه مقتضی است فضیلت پسر را بر دختر در این معنی.

قول دوم: آن‌که مقصود این کلام ترجیح این دختر است بر پسر، گویا چنین گفته: پسر، مطلوبه خود و این دختر، موهوبه الهی است، و نیست پسر مطلوبه مثل دختر موهوبه‌ای که خدا عطا فرموده».

در همین زمینه، محسن قرائتی نیز در تفسیر نور خود چنین بیان می‌دارد که «مادر انتظار داشت فرزندش پسر باشد، تا بتواند خدمت‌کار بیت‌المقدس شود، لذا چون نوزاد دختر به‌دنیا آمد، با حسرت گفت: پروردگارا! فرزند دختری زاده‌ام حال چگونه به‌نذرم عمل کنم؟ اما خداوند برای تسلی خاطر این مادر می‌فرماید: آن پسری که انتظارش را داشتی به‌خوبی این دختر نیست، زیرا این دختر دارای کمالاتی است و مادرِ پسری می‌شود که او نیز مایه‌ی برکت خواهد بود، پس بهره‌ی تو از نسل مبارک چندان برابر خواهد شد» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج۱: ۵۰۳). به‌نظر می‌رسد، این، بدان معنا است که گاهی والدین رسیدن به‌مقصود را از طریق یک جنسیت انتظار داشته و از جنسی دیگر متصوّر نیستند، لکن در کنار وجود تفاوت‌های جنسیتی، توانایی کسب کمالات و فراهم آوردن انتظارات از جنس زن نیز امکان‌پذیر و قابل دست‌رسی است.

اگر «حنه» مادر حضرت مریم می‌دانست که از این دختر، فرزندی زاده می‌شود که خود، از معجزات باهرات و پیامبر خدا و آیتی بزرگ برای اهل عالم خواهد بود، هرگز از بابت دختر شدن او حسرت نمی‌خورد. هرچند با نگاه به‌تفاوت بین دو جنس، اظهار ملال حنه، قابل درک است چه این‌که از لحاظ امکان حضور مستمّر جنس زن در مسجد و نیز خدمت به‌مسجد و عبّاد، هیچ‌گاه با جنس مرد قابل مقایسه نیست. همان گونه که در تفسیر نمونه آمده است، «دختر، پس از بلوغ، عادت ماهانه دارد و نمی‌تواند در مسجد بماند، به‌علاوه نیروی جسمی آن‌ها یک‌سان نیست و نیز مسایل مربوط به‌حجاب و بارداری و وضع حمل، ادامه این خدمت را برای دختر مشکل می‌سازد و لذا همیشه پسران را نذر می‌کردند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱: ۲۸۰). سید عبدالحسین طیب نیز در اطیب‌البیان در خصوص فراز «**لَیسَ‌الذّکرُ کالأُنثی**» بر این اعتقاد است که «جمله کاملاً دلالت دارد بر ردّ کسانی که تساوی حقوق نسبت به‌مرد و زن می‌گویند زیرا وظائف رجال با نساء کمال مباینت را دارد، به‌خصوص خادم بیت‌المقدس بودن که مورد نذر بوده و زن باید مستوره باشد. حتا برای انجام نذر، محرابی برای مریم (ع) در بیت‌المقدس قرار دادند و اطراف آن را پرده کشیدند که ابداً مشاهده نشود» (طیب، عبدالحسین، ۱۳۷۸، ج۳: ۱۸۱).

آنچه برداشت می‌شود آن است که با وجود وحدت نوعی مرد و زن در ماهیت انسانی، تفاوت‌های جنسیتی در خلقت و نقش‌ها وجود دارد. این تفاوت‌ها نه‌تنها به‌معنای برتری یک جنس بر دیگری نیست، بلکه نشان‌دهنده تنوّع در توانایی‌ها و وظایف است. قرآن و تفاسیر مختلف بر این نکته تأکید دارند که هر جنس می‌تواند به‌کمالات خود دست یابد، حتا اگر مسیرها و روش‌های دست‌یابی به‌آن متفاوت باشد.

نقش تفاوت‌های جنسیتی در ساحت تربیت

۱. ساحت عقلانی

خواجه نصیرالدین طوسی اعتقاد دارد که از مشورت در مصالح کلی با زنان باید اجتناب شود و همه اسرار مال و مایه مرد به‌او منتقل نشود و از محبت بیش از حد به‌آن‌ها خودداری شود و دلیل و حکمت این نوع توصیه و برخورد با زنان را، معلول نُقصان تمییز و ضعف رأی آنان بر می‌شمارد (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۱۸-۲۱۹). شیخ طوسی رحمه‌الله، در ذیل آیهٔ ۳٤ سوره نساء،

برتری مردان بر زنان، را ناشی از عقل و رأی برتر مردان می‌داند (طوسی، بیتا، ج۳: ۱۸۹). فخر رازی نیز در ذیل همین آیه می‌گوید: «تردیدی نیست که عقل مردان و علومشان و قدرت آنان بر کارهای سخت بیشتر است. به‌همین جهت است که انبیا و دانشمندان مرد هستند» (فخر رازی، ۱۳۷۹، ج۱۰: ۷۱). طبرسی برتری مردان بر زنان را از جهت علم، عقل، نیک‌رأیی و عزم دانسته (طبرسی، ١٤١٥، ج۳: ٦٩) و ابوالفتوح رازی، ضمن بیان وجود تفاوت، یکی از تفاوت‌ها را برتری عقلی مردان بر زنان ذکر می‌کند (رازی، ١٤٢٠ق، ج٥: ٣٤٨). گنابادی نیز در کنار اشاره به‌چند برتری مردان بر زنان، قدرت ادراک، حُسن تدبیر و کمال عقل را نیز از برتری‌های آنان دانسته است (گنابادی، ١٣٩٦، ج٢: ١٤).

امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) نیز در دو جا از نقص و ضعف عقل زن، سخن رانده است. یکی در خطبه ۸۰ نهج‌البلاغه، که می‌فرماید: «ای مردم، زنان از موهبت عقل کاستی‌هایی دارند و کاستی عقل آنان به‌این است که شهادت ۲ نفر از آنان، هم‌چون شهادت یک مرد است» و مورد دیگر، در نامهٔ ١٤ نهج‌البلاغه که خطاب به‌لشکریان ایشان در صفّین بوده و در آن می‌فرماید: «با اذیت و آزار، زنان را به‌هیجان نیاورید، گرچه آن‌ها به‌شما دشنام دهند و متعرّض آبروی شما گردند و به‌سَرانتان، بدگویی کنند، زیرا نیروی تحمّل آنان کم‌تر است و به‌همین دلیل، زودتر تحت تاثیر واقع می‌شوند و به‌هیجان می‌آیند و خِردشان، دست‌خوش ضعف و ناتوان است» (سید رضی، ١٣٩٦). علامه طباطبایی برتری مردان بر زنان را از جهت تعقّل و متاثّر از نیازمندی‌های زندگی دانسته و می‌فرماید: «مراد از برتری مردان بر زنان، فزونی در تعقّل است. زیرا حیات مردان حیات بر مبنای تعقّل، و حیات زنان حیات بر مبنای احساسات و عواطف است» (طباطبایی، ١٣٧٤، ج۴: ٣۴٣). ایشان اعتقاد دارد که جنس مذکر در فروع قوّهٔ عاقله مانند استدلال کردن، هماوردی، تحمّل شدائد و کارهای سخت، قوی‌تر از جنس مونث است (طباطبایی، ١٣٧٤، ج١٨: ١٣٤). ایشان در جای دیگر، این تقسیم‌بندی را منطبق با حکمت تدبیر جهان دانسته و می‌فرماید که: «بر اساس آن، دو سوّم تدبیر به‌عقل و یک سوّم به‌عاطفه داده شده است» (طباطبایی، ١٣٧٤، ج۴: ٢١٥).

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱۸ سوره زخرف نیز می‌نویسد: نیروی تعقّل زن در قیاس با مرد

ضعیف‌تر است. عدم توانایی و ضعف او در مقام بیان دلیل و حجّت مبتنی بر نیروی عقلانی است (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج۱۸: ۹۰). آیت‌الله مکارم‌شیرازی، در خصوص برتری مردان در این زمینه می‌گوید «ترجیح قدرت تفکّر او (مرد) بر نیروی عاطفه و احساسات و دیگری، داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند، و با دوّمی بتواند از حریم خانواده خود دفاع نماید» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷٤، ج۳: ۳۷۰). آیت‌الله جوادی‌آملی با رعایت احترام جنس مرد و زن، نظر خود را چنین اظهار می‌دارد که «اگر در مسایل علمی، نه از جهت صفت و نه از لحاظ موصوف، سخن از ذکورت و انوثت نبود، اصلاً این بحث جایی نداشت که آیا زن و مرد در معرفت و ذهن و مفاهیم ذهنی، همتای هم هستند یا خیر! مسلماً بین معرفت زنانه و معرفت مردانه از این نقطه نظر، فرقی وجود نخواهد داشت» (جوادی‌آملی، ۱۳۷۹: ۷۹).

۲. ساحت عاطفی

علامه طباطبایی (ره) ذیل آیهٔ ۱۸ سوره زخرف: «**وَمَنْ يَنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غير مُبِينٍ**»، میل و گرایش شدید زنان به‌زیور و زینت و عدم توانایی در بیان دلیل و حجّت به‌واسطه احساسات و عواطف سرشار را از ویژگی‌های آنان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج۱۸: ۹۰).

تفاوت در روحیات عاطفی و محبت‌آمیز زنان، آنجایی بیشتر آشکار می‌شود که امام صادق (ع) اشاره به‌درخواست حضرت ابراهیم (ع) از خداوند متعال بر دختردار شدن، کرده و دلیل این امر را چنین بیان می‌فرماید: «حضرت ابراهیم (ع) از حضرت حق، طلب دختر کرد تا پس از مرگ بر وی بگرید و عزایش را گرم نگهدارد» (وسایل الشیعه، ۱۳۷٤، ج۲۱، ص۳٦۱). و این گویای شدّت عاطفه و محبت جنس زن در مقایسه با جنس مرد بوده و یا در روایتی دیگر از ایشان آمده: «زنان آفریده شدند تا برای مردان، آرامش‌بخش و سبب انس گردند (حر عاملی، ۱٤۰٤، ج۲۰: ۳۵۰).

آنچه از نوع رفتار مردان دوران جاهلیت، نقل گشته آن است که آنان همیشه با زنان، مانند کنیز رفتار کرده و زن کم‌تر می‌توانست در جایگاه و به‌عنوان یار و مصاحب مرد قرار گیرد، لکن

دین مبین اسلام، بر اساس آیه اول سوره نساء، در کنار این‌که زن و مرد را از حیث شئونات انسانی، واحد دانسته (خَلَقَكمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ)، صِرف مرد بودن را، رُجحان ندانسته، بلکه زن را به‌استناد آیه ۲۱ سوره روم «**وَمِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكمْ مِنْ أَنْفُسِكمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكنُوا إِلَيهَا وَجَعَلَ بَينَكمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً**» به‌عنوان یک عنصر آرامش‌بخش و حیات‌بخش معرفی کرده است.

در بحث وابستگی‌های روحی و روانی مرد و زن، به‌تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری، یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت آن است که در غریزه مرد، نیاز و طلب و در غریزه زن، ناز و جلوه‌گری قرار داده است. لذا خلقت هدفمند، مرد را مظهر طلب و عشق، و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت قرار داده است (مطهری، ۱۳۷٦، ص۴۷). خواست فطری زن این است که دیگران، دوستش بدارند و به‌او مهر بورزند؛ در حالی که مرد، طبعاً می‌خواهد که دیگران را دوست بدارد و به‌آنان مهر بورزد. زن در جست‌وجوی محب است و مرد به‌دنبال محبوب (غلامی، ۱۳۸۸ به‌نقل از مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳: ۲۰۸۷). از این دو سخن، چنین برمی‌آید که زن در عین حال که دوست دارد به‌او مهر ورزند، لکن در رفتار خود از غریزه نیاز مرد بهره برده و جلوه‌گری، سعی بر کسب محبوبیت و جلب حب جنس مرد برمی‌آید.

در پرسش از برتری روحی مردان بر زنان، بستان با استناد به‌این موضوع که خداوند، هیچ یک از پیامبران، امامان و اوصیا (ع) را از میان زنان انتخاب نکرده است بیان می‌دارد که: «انصاف آن است که این امر می‌تواند شاهدی بر مدعای برتری روحی و معنوی مردان بر زنان تلقی گردد. اما با این حال نمی‌توان از آن به‌عنوان دلیل قاطع بر مدّعا بهره جست، زیرا دلیل اعمّ از مدعاست؛ به‌این معنا که ما نمی‌دانیم آیا این امر لزوماً بدان معنا است که زنان از شایستگی روحی و عقلی لازم برای تصدّی این منصب برخوردار نبوده‌اند، یا آن وجهی دیگر در کار بوده است (بستان، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

۳. ساحت جسمی و بدنی

در خصوص وجود ظرافت جسمی در زنان، در مقایسه با مردان، سید رضی، تعبیر ظریفی را از پیغمبر (ص) نقل می‌کند که: انجشه، گویا شترانی که زنان بر آن سوار بودن را تند می‌راند،

رسول اکرم (ص) به‌او فرمود: «انجشه! با بلورها مدارا کن» (سید رضی، ۱۳۸۰، ج۱: ٤٤). و این کنایه از ساختار ظریف و شکننده و لطافت زیست زنانه داشته و باید رعایت حال آنان را نمود و بر همین اساس، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۱۱۷ سوره نساء نیز اشاره دارد «جسم مونث آسیب‌پذیرتر از جسم مذکر است» (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج۵: ۱۳٤). در مراعات لطافت زنانه و عدم واگذاری امور صعب‌العمل به‌آنان، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «امور فوق توان زن را به‌وی وامگذار، به‌این دلیل که زن چون گلی (لطیف) است، نه شخصی که در هر امری مباشرت کند (حر عاملی، ۱۳۷٤، ص۱۷۰). علامه طباطبایی(ره)، حتا تفاوت‌های روحی، روانی در زنان و قدّرت عاقله در مردان را مرتبط با تفاوت‌های جنسی دانسته و «احساسات لطیف زن و اندیشه‌ورزی مردان را ناظر به‌جنبه‌های زیست‌شناختی آنان مانند کوچک‌تر بودن اندازه مغز زنان و ضعیف‌تر بودن قلب، شریان‌ها، اعصاب و عضلات وی در مقایسه با مردان می‌داند» (محمدی، ۱۳۹۲ به‌نقل از طباطبایی، ۱۳۸٤: ۵۵).

بلاغی می‌گوید «حتّی عالمان تشریح به‌استناد آنچه که بر اساس تکرار و تجربه دریافتند، اتفاق نظر دارند که در تمام ادوار تاریخ، مغز و قلب مرد از مغز و قلب زن بزرگ‌تر بوده است» (بلاغی، ۱٤۲۰ق، ج۲: ۱۰۵).

در حدیث معروف مفضّل، در بیان تفاوت خلقت زن و مرد، امام صادق علیه السلام می فرماید: این‌که در صورت مرد مو می‌روید و در زن چنین نیست، علت آن است که مرد را سرپرست زن و زن را سبب توجه مرد قرار داده است؛ به‌مرد محاسن عطا کرد تا سبب هیبت و شکوه او گردد و آن را از زن برداشت تا باعث شادابی و زیبایی صورتش شود و زمینه روابط زناشویی را فراهم کند (مجلسی، ۱٤۰٤، ج۳: ۸۸).

در خصوص امور جنسی نیز، زنان با وجود داشتن شهوت بیشتر و نیروی جسمی کم‌تر، در برابر میل جنسی مقاومت بیشتری از خود نشان داده و عدم تحمّل و صبر مردان، علی‌رغم شهوت کم‌تر و قدرت جسمی بیشتر، آنان را در برابر شهوت جنسی ضعیف‌تر نشان می‌دهد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «به زنان نیروی مباشرت (ارتباط جنسی) ۱۲ نفر و صبر ۱۲ نفر عطا شده است (کلینی، ۱۳٦۷، ج۵: ۳۳۹). یکی از دستورات دین اسلام در امور جنسی که بیان

کنندهٔ وجود این نوع تفاوت در زنان، در مقایسه با مردان است، نهی سوار شدن زنان بر مرکب و زین است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «زنان را بر زین سوار نکنید؛ زیرا منجر به‌آن خواهد شد که غریزه جنسی آنان را زیاد کنید» (همان: ٥١٦).

٤. ساحت اجتماعی

هرچند که در عصر جاهلیت، زن را مخلوقی برزخ بین حیوان و انسان می‌دانستند که فائده خلقت وی فقط تکثیر نسل و خدمت به‌مرد بود (لو بن، ١٩٧٥)، لکن در اسلام، تأکید بر آن دارد که توان و ویژگی‌های هر کدام از زن و مرد در واگذاری امور را باید در نظر گرفته و به‌آنان مسئولیت سپرد.

نمونه این امر، تقسیم کار میان علی (ع) و فاطمه (س) توسط رسول گرامی اسلام (ص) در اختصاص امور داخل و بیرون خانه میان آن دوست (حرّ عاملی، ١٣٧٤: ١٧٢).

در حدیثی از پیامبر (ص)، طلب روزی حلال بر مرد و زن مسلمان واجب شمرده شده است (شعیری، ١٣٨٣: ١٣٩)، و یا آنکه، حضرت به‌زن عطرفروش سفارش می‌فرمایند: «زمانی که چیزی می‌فروشی، نیکو معامله کن (ابن‌بابویه، ١٤١٣: ٢٧٢).

در ورای این سفارش، امکان و جواز فعالیت زنان در بیرون از خانه بوده و نشان از آن دارد که در صورت ضرورت، اسلام، مخالفت کامل با ورود زن به‌اجتماع و انجام فعالیت‌هایی که بیشتر، از مردان انتظار می‌رود، ندارد، همان‌گونه که در دیگر سو، کار کردن مرد در خانه، به خصوص با نگاه تعاون و کمک به‌همسر، مورد تأکید و ستایش است؛ چنان‌که در سیره خانوادگی علی (ع) و فاطمه (س) نیز مشهود است.

علامه طباطبایی ذیل آیه ٣٤ سوره نساء در مبحثی در تفسیر «**اَلرِّجَالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ**»، بر این نکته اشاره دارد که به‌دلیل برتری عقل و غلبه آن بر احساسات و عواطف که در مردان وجود دارد، مسؤولیت‌های اجتماعی همچون حکومت و قضاوت، به‌مردان سپرده شده است و بر همین اساس، هر جا که حضور و دخالت زنان همراه با عواطف و احساسات نیست، به‌زن اجازه حضور در اجتماع و به‌دست گرفتن زمام این دست از کارها را داده است (طباطبایی،

۱۳۷٤، ج۴: ۳۴۷). قرطبی نیز بیان می‌دارد: «گفته شده که مردان بیش از زنان، قوّت روحی و قوّت طبع دارند. زیرا در طبع مردان، حرارت و خشکی غلبه دارد و از این رو نیرو و صلابت بیشتری دارند، اما در طبع زنان، رطوبت و سردی غلبه دارد و از این رو، نرمی و ضعف در آنان بیشتر است. فلذا خدا، حقّ سرپرستی بر زنان را به‌مردان داده است (قرطبی، ۱۳٦٤، ج۵: ۱٦۹). فخر رازی نیز ذیل همین آیه، با اشاره به‌قدرت عاقله و قدرت مردان بر کارهای سخت و نیز به‌دلیل این‌که خداوند متعال در این آیه فرموده: «مردان از اموالشان نفقه می‌دهند»، قایل به‌برتری مردان بر زنان است (فخر رازی، ۱۳۷۹، ج۱۰: ۷۱).

خواجه نصیر در اخلاق ناصری، با بررسی وضعیت جنس زن در جایگاه‌های متفاوت، بر این اندیشه است که مرد بر زن حق ولایت داشته و زن در اجتماع، جایگاهی نداشته و وظیفه ذاتی او تنها در چارچوب خانه و تدبیر منزل است (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۱۹).

نتیجه‌گیری

بر پایهٔ بررسی ژرف‌اندیشانهٔ آراء، اقوال، مستندات و مبانی مورد استناد، در ماهیت و سرشت وجودی زنان و مردان، هیچ گونه تفاوتی یافت نشد. هم‌چنین، از منظر دین مبین اسلام، چنان‌که خداوند متعال در کلام آسمانی خویش فرموده‌اند: «**خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ**»، هر دو جنس زن و مرد، از گوهر انسانی مشترک و شایستهٔ احترام برخوردارند و از لحاظ شئونات انسانی، یگانه و یک‌سان‌اند. هیچ یک از ایشان محور اصلی هستی نبوده و در هدف غایی آفرینش نیز، هم‌سو و مشترک‌اند. لکن علی‌رغم نبود تفاوت بنیادین در ماهیت وجودی زن و مرد، مستندات علمی گویای وجود تفاوت‌های فردی و جنسیتی از نظر زیستی، عاطفی و اجتماعی بوده و مستندات دینی مانند آیات ۲۷ و ۲۸ سوره فاطر اشاره به‌وجود تفاوت‌های فردی و فراز «**وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى**» نیز تصریح بر وجود تفاوت‌های جنسیتی را بر اساس نیازهای بیرونی و کاربردی بین آنان، نشان داده و مشخص گردید، بدون تردید وجود این تفاوت‌های غیر قابل انکار، ناشی از تدبیر خالق حکیم هستی بوده که در طرح‌بندی خلقت و در متن تکوین و طبیعت، امکانات لازم به‌منظور دست‌یابی زن و مرد به‌هدف غایی مشترک را، هرچند از طرق مختلف، در دسترس

قرار داده است. فلذا یافته‌های پژوهش گویا آن است که در جهت تناسب روش‌های تربیتی با ویژگی‌های ذاتی افراد، توجه به‌نقش‌های متفاوت در جامعه و خانواده و طراحی سیاست‌های اجتماعی، تربیتی و حتا اقتصادی و بهبود روابط بین فردی، ارتقای تعادل روحی و روانی، پیشگیری از تعارضات درونی، تقویت هویت جنسیتی، اجتناب از کلیشه‌های جنسیتی نادرست، تأکید بر عدالت و انصاف و حمایت متقابل از حقوق زنان و مردان، بهبود سیستم‌های آموزشی و تربیتی و تقویت مشارکت اجتماعی و هماهنگی با آموزه‌های دینی، ضروری می‌کند و نیز سبب می‌شود که از هر جنس، نقش ویژه‌ای انتظار رود که با نقش جنس دیگر متفاوت است. لذا به‌تبع آن، در آینده، نقش‌های متفاوتی را در خانواده و جامعه ایفا کرده و معطوف به‌تامین پاره‌ای از مصالح فردی و اجتماعی است و این امر وظایف و رفتارهای خاصی را برای مردان و زنان ایجاب می‌کند که باید در تربیت آنان مورد توجه قرار گرفته و مشخص می‌شود که دختران و پسران بر اساس تفاوت‌های موجود، نیازمند تربیتی دوگانه و متفاوت نیز هستند.

منابع

* قرآن، انتشارات الهادی، ۱۳۸۸.

۱. ابن‌بابویه، محمّدبن‌علی، شیخ صدوق، **امالی**، ترجمه محمّدباقر کمره‌ای، انتشارات کتابچی، تهران، ۱۳۷۹.

۲. ابن‌بابویه، محمّدبن‌علی، **من لایحضره الفقیه**، دفتر انتشارات اسلامی، ۱٤۱۳ق.

۳. ابن‌شعبه، حسن‌بن‌علی، **تحت‌العقول عن آل‌الرسول علیهم‌السلام**، ترجمه بهراد جعفری، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۸۰.

٤. ابن‌فارس، احمد، **معجم مقاییس‌اللغه**، مکتب الاعلام‌الاسلامی، ۱۳۹۹ق.

۵. احمدی، محمّدرضا، **تفاوت زن و مرد از منظر روان‌شناسی و متون دینی**، معرفت، شماره ۹۷، ۱۳۸٤.

٦. اعرافی، علی‌رضا، **درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی**، انتشارات سمت، ۱۳۹۵.

۷. آلبرتس، بروس، **مبانی زیست‌شناسی سلولی**، ترجمه جواد محمّدنژاد اروق، انتشارات اندیشه رفیع، ۱٤۰۰.

۸. بلاغی نجفی، محمّدجواد، آلاء **الرحمن فی تفسیر القرآن**، بنیاد بعثت، ۱٤۲۰ق.
۹. پیز، آلن و پیز، باربارا، **چرا مردان هم‌زمان فقط یک کار انجام می‌دهند و زنان دست از حرف زدن بر نمی‌دارند**، ترجمه مریم پویان‌پور، انتشارات حوض نقره، ۱۳۹٤.
۱۰. جوادی‌آملی، عبدالله، **زن در آینه جلال و جمال**، انتشارات اسراء، ۱۳۷۹.
۱۱. حسینی، سید هادی، **تفاوت‌های بیولوژیک زن و مرد (بدن، روان و هوش)**، کتاب نقد، شماره ۱۷، ۱۳۷۹.
۱۲. حسینی، سید هادی و هم‌کاران، **کتاب زن**، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.
۱۳. خدا رحیمی، سیامک، **روان‌شناسی زنان**، انتشارات مردمک، ۱۳۷۷.
۱٤. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، **تفسیر اثنی‌عشری**، انتشارات آذرنیا، ۱۳۹۳.
۱۵. رازی، فخرالدین محمدبن‌عمر، **مفاتیح‌الغیب**، دار احیاءالتراث العربی، ۱٤۲۰ق.
۱٦. زندن، وندر و ویلفرد، جیمز، **روان‌شناسی رشد ۱ و ۲**، ترجمه حمزه گنجی، نشر بعثت، ۱۳۷۶.
۱۷. سید رضی، محمّدبن‌حسین، **المجازات النبویه**، دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۱۸. سید رضی، محمّدبن‌حسین، **نهج‌البلاغه**، ترجمه دشتی، انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
۱۹. سیف، علی‌اکبر، **روان‌شناسی پرورشی نوین**، انتشارات آگاه، ۱۳۸٦.
۲۰. شکوهی، غلامحسین، **تعلیم و تربیت و مراحل آن**، به‌نشر، ۱۳۸۷.
۲۱. طباطبایی، محمّدحسین، **تفسیر المیزان**، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷٤.
۲۲. طبرسی، احمدبن‌علی، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱٤۱۵ ق.
۲۳. طوسی، نصیرالدّین، **اخلاق ناصری**، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۳.
۲٤. طیب، عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، نشر اسلام، تهران، ۱۳۷۸.
۲۵. غلامی، علی، **زن، مرد؛ تفاوت‌ها**، سایت پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۸۸.
۲٦. فارابی، محمّدبن‌محمّد، **السیاسه المدنیه**، مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۹٦م.
۲۷. فخر رازی، **تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)**، ترجمه علی‌اصغر حلبی، اساطیر، ۱۳۷۹.
۲۸. فضل‌الله، محمّدحسین، **تفسیر من وحی القرآن**، دارالملاک للطباعه و النشر و التوزیع، ۱٤۳۹ق.

۲۹. فقیهی، علی‌نقی، **تربیت جنسی**، دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۳۰. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، مرکز درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۳۱. قرطبی، ابوعبدالله محمد، **جامع لاحکام القرآن**، دارالکتب، ۱۳۸٤ق.
۳۲. کان. جی. کارسون و هم‌کاران، **بهداشت روانی زنان**، ترجمه خدیجه ابوالمعالی و هم‌کاران، انتشارات ساوالان، ۱۳۸۹.
۳۳. کلینی رازی، محمّدبن‌یعقوب، **کافی**، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳٦۷.
۳٤. گان، کریستین، **استخوان‌شناسی و مفصل‌شناسی**، ترجمه صوفیا نقدی، انتشارات نخل، ۱۳۷۵.
۳۵. گایتون، آرتور و هال، جان، **فیزیولوژی پزشکی گایتون**، ترجمه فرخ شادان، انتشارات چهر، ۱۳٦۸.
۳٦. گرت، استفانی، **جامعه‌شناسی جنسیت**، ترجمه کتایون بقایی، انتشارات دیگر، ۱۳۸۲.
۳۷. گوهری، مریم و هم‌کاران، **تشخیص هویت انسان از منظر قرآن کریم**، روایات معصومین علیهم‌السلام و دانش ژنتیک، فصلنامه فقه پزشکی، شماره ۲٦-۲۷، صفحه ۱۷۵ تا ۱۹۵، ۱۳۹۵.
۳۸. گنابادی، ملا سلطان محمد، **بیان السعاده فی مقامات العباده**، ترجمه سید محمود طاهری، انتشارات آیت اشراق، ۱۳۹٦ و ۱۳۹۷.
۳۹. لطف‌آبادی، حسین، **روان‌شناسی رشد (۲)**، نوجوانی، جوانی و بزرگ‌سالی، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
٤۰. لمبروزو، جینا، **روح زن**، ترجمه پری‌حسام شه‌رئیس، انتشارت دانش، ۱۳٦۹.
٤۱. محمد بن حسن حُر عاملی، **وسایل‌الشیعه**، دار احیاءالتراث العربی، ۱۳۷٤ق.
٤۲. محمّدی، مسلم، **تحلیل تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد در علوم تجربی و آموزه‌های دینی**، نشریه انسان پژوهی دینی، شماره ۲۹، صفحات ۷۱ - ۸۱، ۱۳۹۲.
٤۳. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، مؤسسه‌الوفاء، ۱٤۰٤ق.
٤٤. مطهّری، مرتضی، **عدل الهی**، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.

٤٥. معجز، نسیم و هم‌کاران، **تفاوت‌های فردی در یادگیری و آموزش**، کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم اجتماعی، تربیتی، علوم‌انسانی و روان‌شناسی، ۱۳۹٦.

٤٦. مفضل‌بن‌عمر، **شگفتی‌های آفرینش** (ترجمه توحید مفضل)، ترجمه محمّدمهدی رضایی، انتشارات بهار دلها، ۱۳۹٦.

٤٧. مصباح‌یزدی، محمّدتقی، **جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن**، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.

٤٨. مکارم‌شیرازی، ناصر؛ **تفسیر نمونه**، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۷٤.

٤٩. هاجری، عبدالرسول، **جنس و جنسیت** (sex & Gender)، نشریه حوراء، شماره ۲، ۱۳۸۲.

٥٠. هام، مگی و گمبل، سارا، **فرهنگ نظریه‌های فمینیستی**، ترجمه فیروزه مهاجر و هم‌کاران، انتشارات توسعه، ۱۳۸۲.

٥١. هاید، جانت، **روان‌شناسی زنان**، ترجمه بهزاد رحمتی، انتشارات لادن، ۱۳۷۷.

منابع انگلیسی

١. Holy Quran، 2001.

٢. Cunningham's Manual of Practical Anatomy، Volume3، Rachel Koshi، Oxford university press، The new 16th edition، 2017.

٣. Nahj al-Balagh، 1995.

٤. The Origins of Crowd Psychology: Gustave LeBon and the Crisis of Mass Democracy in the 3rd Republic، SAGE Publications

٥. Sex Differences in the Human Brain، their Underpinnings and Implications Brain Research، by Ivanka Savic | Dec 3، 2010

٦. Essential Cell Biology، by Bruce Alberts، W. W. Norton & Company، ٢٠١٩.